

ز راه تو وضعی که با استاد من داشت اجابت نفرمود و سن شریف او قریب هشتاد سال
 بود و در نماز جماعت شیخ حجری اقتدا میکرد و حال آنکه خود افضل از او بود لکن از راه
 نفس و تواضع در اختیار امامت تورع میکرد و انتهی کلامه اش شیخ حسین بن محمد بن
 جعفر الماحوزی البحرانی منسوب است بسوی ماحوز بیم و حای مملو و زای بجمه در آخر
 له از قریبای بحرین است و مثل است بر سه قریه از جمله آن قریه دوشنبه بضم دال مملو و سکون
 و او و فتح نون قبل از حیم که مسکن شیخ حسین مزبور بود و از اعظم اساتذہ شیخ یوسف بحرانی
 زلامذہ شیخ سلیمان بن عبداللہ بحرانی بود صاحب منتهی المقال فی معرفۃ الرجال بتقریب ذکر شیخ
 یوسف آورده که استادش عالم علامه شیخ حسین ماحوزی عالم عامل و فاضل کامل و مجتهد
 صرف بود و مولانا آقا محمد باقر بهبانی رحمه اللہ فرموده است که او طعن بسیار بر اخبارین
 میکرد و میگفت اخباریان جمعی اند که میگویند آنچه خود نمیکند یقولون من حیث کلام
 لایسترون انتہای و صاحب لؤلؤہ بگوید که از جمله اسانید من بسوی روایات و مصنفات
 علمای اعلام آنست که مراراً راه قرأت و سماعت و اجازہ خبر داده است استاد من
 فاضل کامل جامع علوم معقول و منقول و مستنبط فروع از اصول جامع مراتب علم و عمل فاضل
 باکمل مدارج بی خلل شیخ اجل او حدیث شیخ حسین بن شیخ محمد بن جعفر بحرانی ماحوزی که زندگانی
 یافت نامدی که عمرش قریب به نود سال سیده بود و سوای آنکه ضعف و نقابست بجهت کبر سن لاحق حال
 بود و عجب آنست که او با وجود غایت فضل و علم خود بلکه تصنیف داشت و چیزی از او بقا
 تصنیف نرسید و ایضا آورده که تلمذ و استفادہ من بخدمت شیخ مزبور در بلدہ قطیف بعد
 از وفات والده بعد از آنکه خوارج بر بلاد بحرین استیلا یافته بودند اتفاق افتاد و شیخ مذکور
 از استاد خود علامہ زمان و ناورۃ الاوان شیخ سلیمان بن عبداللہ بحرانی که ذکرش گذشت
 روایت داشت و ملاحیدر علی مجلسی در اجازہ خود آورده که استاد من میر عبدالباقی
 بن میر محمد حسین بن میر محمد صالح خاتون آبادی از شیخ حسین ماحوزی مذکور روایت دارد

سخ مذکور از ملا محمد باقر مجلسی روایت داشت ذوالفضل الاشراف میر آصف
القزوینی از فضلاء زمان و مسلم الثبوت بین الامثال والاقربان بود شیخ عبدالمطلب
قزوینی در تکملة اهل اهل آورده که میر آصف القزوینی از سادات علماء علمای سادات بود
و ایضا گفته که دیده ام من فضلاء و علمای قزوین که بسیارند بر اشراف میر آصف مذکور مشرف
شده بودند بسیار میالغه در مدح و ثنای او میکردند و در عظمت فضل و کمال او بسیار میگفتند
اما من بخدمت او مشرف نگشتم ام و میر آصف مذکور تحصیل علوم در قزوین و اصفهان پیش فضلاء
مشایخ آن زمان در او اواخر ماه حادس عشر و اوائل ماه ثانی عشر و در ماه ثانی عشر در احوال
و مهارت و افزای علوم کثیره حاصل ساخت و باوج فضل و کمال رسید و بعد از تحصیل علوم
از اصفهان به قزوین و قفلیس و دیگر بلاد کثرت یافت داشت و در آنجا مدرس و تدریس
مشغول بود و با وصف کمال فضل مقدس و پر پیژگار و زاهد و ورع بود و ایضا صاحب تکلمه
آورده که حکایت کردین جمعی از ثقات که همراه میر آصف مذکور رحمه الله در محاصره
محمودیه در اصفهان بودند و در ایامیکه اشتداد جوع و فطخ در محاصره مذکور پدید آمد میر
آصف مذکور با جمعی از رفقا اصحاب خود یک دو رطل و یک دو مد از گوشت حاضر خرید
و پختی خلیج بپوش آن داده پس تقسیم فرمود علی السویه حصه هر یک را از رفقا جمعی که هیچ
کمی و زیاده نداشتی در آن نبود و اطعام فرمود هر یک از اینجاعت را بنفس تقفیس خود و حصه خود را
مؤخر گردانید از حصص دیگر اجباب بلکه کمی حصه خود فرمود مؤلف گوید که آنچه
صاحب تکلمه آورده که میر آصف مذکور در محاصره محمودیه هم شریک بود و ایضا در او
ترجمه او میگوید که وفاتش قریب ازین واقعه اتفاق افتاد و جنازه الله خیر الجزاء جعل
من سلك الانبياء والصلحاء والشهداء انتهى مفهومی میشود و گوید که کدام محاصره بود و در
محاصره هم معلوم نمیشود علاوه برین سقم نسخه منقول عنه بعدی است که اصلاً بلب عبارت مفهومی
نمیشود و آنچه محصلش ظاهر بود ثبت نموده از جمله صفات ابراهیم قزوینی آنچه صاحب تکلمه

آورده است شرح خطبه چهارم است که از حضرت امیر المومنین علیه السلام مأثور و کتاب
 شیخ البلاغ و کاتبی مذکور است و خطبه مذکوره در باب صفات مومن است و
 در آن شرح بطرز جدید و بیان سدید پرداخته مولانا عبدالعزیز بن حسین بن
 احمد بن جعفر بن احمد بن جعفر البحرانی البربوری از فضلا و مشایخ و کلامی
 از شیخ محمد تقی بحرانی اجازه یافته و اجازه مذکوره بظهور نسخه شرح زبدة الاصول سمیع غایة المأمول
 نوشته بود و نسخه بر بوزیر الاملا عبدالعزیز موصوف بدست خود نوشته صورت اجازه
 ایست بلفت قرآنة الشیخ الاجل الانبل الاواه الشیخ عبداللہ بن المرحوم الشیخ
 حسین البربوری البحرانی مدنی بقاہ فاجزت له بعد الاستخارۃ ان یروی عن
 صاحبی روایتہ و جاری اجازتہ من مولفات الشریعة و مصنفات لسنة
 الشیعة مشروطا علی الاحتیاط التام كما اشترطتہ علی مشایخی الکرام و علی
 الیہم فی ذلك طرق علیدایة منها ما رویتہ قرآنة و سماعا و اجازة عن مشایخ
 الثانیة الشیخ الامجد الشیخ احمد بن عبداللہ و الاواه الشیخ عبداللہ بن علی و
 المبرأ من الرین الشیخ حسین بن محمد بن جعفر البحرانیون عن شیخهما العلامة
 شیخنا الشیخ سلیمان بن زینب اللہ البحرانی عن شیخہ الشیخ سلیمان بن علی البحرانی
 عن شیخہ الشیخ صالح بن عبدالکریم و الشیخ جعفر بن کمال عن شیخهما الشیخ
 علی بن سلیمان عن شیخہ الشیخ بها و الدین عن ابيه عن شیخہ الشیخ زین الدین صاحب
 المسالك و شرح اللمعة عن مشایخہ المتصلة سلسلتها الی الامام عن الرسول
 عن جبرئیل عن اللہ سبحانہ و تعالی و کان ذلك فی اوقات علیدایة فی
 طریق الهند بعد الاصراف من نصر فوربتارخ سابع عشره شهر ذی القعدة
 الحرام سنة و کتب فقیر زید و اسیر ذنبه تراب اقدار اخوانه المومنین
 خادم خدام العلماء را اخبارین الاقل الجانی و القن الفانی محمد بن علی بن

عبد النبي اثنان الجحاني والحمد لله وحده وصلى الله على من لا نبي بعده وآله اجمعين
 مولانا ميرزا محمد تقی بن میرزا کاظم بن ملا عزیز اللہ بن اخوند ملا محمد تقی المجلسی
 ملا حیدر علی آورده الفاضل العالم الشریعی میرزا محمد تقی طاب ثراه صاحب سبب الخلاق
 والسبایا المستحسنة واورده کہ مولانا ای مذکور صاحب تصنیفات و تالیفات بود از جمله
 کتاب ہجرت الاولیا و احوال صاحب العصر و الزمان علیہ السلام و در فارسی و عربی و کتب
 در سنت و ثمانین و الف بود و وفاتش در ماه شعبان ۱۲۷۰ شمسی و در ماه رجب
 واقع شد و ایضا ملای مذکور آورده کہ وانا سر وی عنده و جادوی بسیار عالی و
 من قبل الامر المولی محمد باقر المجلسی طاب ثراه و میرزا محمد تقی مذکور بعد از واسطه
 ملا حیدر علی مجلسی بود و میرزا محمد تقی الاصفهانی الشمس آبادی المعروف بالماسی
 صاحب کلمة الامل آورده کہ میرزا محمد تقی مذکور از فضلاء مقدسین و علمای با تقین و
 متعبد و زاہد و پرہیزگار بود اکثر اوقات گریہ میکرد و خوف خدا و اتم الحزن از عذاب خدا
 بود و محترز و مجتنب از عقاب خدا بود و در بلده اصفهان مدت اقامت جمعه و جماعت داشت
 و فیض بسیار باہالی آن بلده میرسد میرزا مذکور و مقبرہ مولانا محمد تقی مجلسی علیہ الرحمہ و بسند
 بضع و خمسين و مائة بعد الالف دفن شد مولانا سلطان محمد القاتنی صاحب کلمة الامل
 آورده کہ آنچه محصلش اینست کہ مولانا سلطان مذکور فقیہی زاہد و عابد بنایت زہد و کمال عبادت
 بود و در امر دین و نصح جاہلین تشدد داشت و تخی و شجاع بود نتیجہ مولانا اسمعیل البرجری
 صاحب کلمة آورده کہ شنیدہ ام وی عالمی فاضل و صاحب تحقیق و تعمق بود و بعد ازین بار سنی
 آورده کہ بسبب ستم نجویی مطلب آن و از رسیدم اما ظاہر اغموم میشد و کہ مراد از کلمہ
 اینست کہ ملا اسمعیل مذکور بسبب صحبت مروی صوفی مشرب باکل بہ خصوص گریہ و پندار
 اعلم بحقیقة الحال مولانا السید محمد باقر بن السید اسمعیل الاصفهانی الخاتون
 صاحب کلمة الامل آورده کہ میرزا محمد باقر فرزند میر اسمعیل سابق الذکر است فاستل منیع

عالمی رفیع و فضل و کمال چو فضل کمال بد پر خود بمقتضای الولد اسر کاتبه مطابق بر خود
 بود و او را در امر بزرگ حاصل بود که سچیک از علما را در غالب از زمان حاصل نشده اول
 تقریر و پذیر و تبیینی نظیر خواجه صاحب کمال ال آمل آورد که شنیده ام از حبیب خود میرزا
 ابی تراب رحمه الله از مولانا اسماعیل مازندرانی نقل میکرد که او میفرمود که از زمان فرس
 حضرت ادریس بنی علیه السلام این زمان سچیک خلق نشده که تقریر و بیان او از میرزا محمد باقر
 بهتر و خوشتر باشد و او در م قریب سلطان زمان چه آن مرحوم نزد سلطان حسین صفوی
 چنین قدر و منزلتی عظیم داشت که در حیطه بیان نگنجد و سلطان مرحوم او را معلم خود ساخته بود
 در ایام سلطنت پیش او درس میخواند و او را بر جمیع علمای زمان مقدم کرده بود و جمیع امرا
 حتی وزیر اعظم پیش او خاضع بودند و امرای زمان نمیتوانستند که بحضور او بنشینند
 تا وقتیکه او حکم شستن میفرمود و او ایضا شیخ عبدالبنی قرظوبی صاحب تکرار آورده که از سید
 امیر محمد صالح حسینی طاب ثراه شنیدم که میفرمود ما شرح اشارات و دیگر حواشی را
 نزد میر محمد باقر میخواندیم انقی حاصل کلامه آقا محمد تقی الهدانی صاحب تکرار آورده
 که آقا محمد تقی الهدانی فاضل عجیب و غلبه غریب از هر دو چشم نابینا بود و حال آنکه مردمان
 پیش او قرأت کتب حکمت میکردند و او در آن باب کلامی هیچ خوب و اسلوب مزعوم
 میفرمود و توضیح امور عویصه و مشکله مینمود و دفع ایرادات وارده و ایراد اعتراضات
 مینمود صاحب تکرار آورده که من نزد مشرف مشرف گشته ام انقی کلامه الشیخ محمد تقی
 الدورقی النخعی الدورقی بفتح اوله و الراء و القاف الی دورق بلده خوزستان
 کذا فی الاثبات صاحب کتاب تکرار ال ال ال آورده که شیخ مذکور را اطلاع
 فضل او از افراد علما بود جامع علوم عقلیه و نقلیه و صاحب تحقیق رائق و ذهن فائق و
 و تلخیص رسا بود و چون علم و فضل او در عراق عرب اشتهار تمام یافته و علمای اطراف
 و امسار از او اخذ علوم کردند و در نجف اشرف متوطن گردید و در آنجا با فایده در

تدریس اشغال داشت باجمعه شیخ مزبور صاحب نظر دقیق و فکر عمیق بود و در تحصیل و افتاد
 استفاد و سستی و کوشش بلین فرمود که بر اهل شهر خود بلکه تمام اهل عصر خود فائق
 و عالی گشت رحمه الله تعالی مؤلف گوید که شیخ موصوف از جمله اساتذ و مولانا
 بحر العلوم آقا سید مهدی طباطبائی رحمه الله بود و کما یظهر من کتاب منتهی الیقین امثال میرزا
 محمد باقر بن میرزا علاء الدین گلستانه از فضلاى زمانه و علمای یگانه بود و صاحب
 شذ و را آورده که السید المحسب ذی المناقب میرزا محمد باقر بن
 سید محقق امیرزا علاء الدین گلستانه ضل کامل و عالم عالم بود و ملا محمد باقر بن میرزا
 از ور و ایت دارد مولانا محمد سعید جوینوری از اذکیبای فضلا و از اکابر زاهد
 و عباد بود و بر اکثر کتب مخالفین و موافقین آگاهی داشت و اسع النظر و صاحب الفکر
 بود از نتایج افکار او حواشی کثیره بر کتب فریقین بنظر مؤلف رسیده چنانکه نتیجه اقبال
 علی بن طاووس که فقیر دیده اکثر جام حواشی نوشته از اسما دریافت میشد و که اکثر اوقات
 مشغول عبادت می بود و صاحب ذوق سلیم و طبع مستقیم بود و پناخ صاحب کتب
 اقبال جایگاه ذکر راه شبان و اعمال آن بیان فرموده مولانا بر حاشیه آن مقام میفرماید
 الحمد لله الذی وفقنی لهذا الصیام الی تمام الشهور اکثر من ثلثین سنة فانی
 ترکة فی الحضرة کلا فی السفر ابتغاء لمراضات غایب البشر و ما لا یستعمل به فی
 بغیر نیر و اسر جوان اصوم الشهد بن الی منتهی عمره و قد جازت من معنی
 الی ما عند الله تعالی بسببه فی تلك السنة و ذلك السن العالی و قد صرفت
 الآن من تعاقب الاکام و الاحزان کالسن البالی هذا سبب عوارض الايام
 و لکنی قد متعنی الله بفضل و کرمه الی الآن و هو اول مرحلت من مراحل
 السبعین بالحواس الظاهرة و الباطنة خصوصاً السمع و البصر و الاسنان ذلك
 فضل الله یوتی من یشاء فلا یخینان شاء الله تعالی من لا یخیب له به الا مال

و یوفقی الله الحث علی ارتکاب احسن الاعمال بحرمه جاهد محمد و کلال صلوات الله
 علیه و علیهم اجمعین بالذکر و الاصل و ما توفیقی الا بالله و ایضا در مقام ذکر اعمال ماه رجب
 بر حاشیه میفرماید الحمد لله الذی و فقی لهذا العمل مع سائر اعمال رجب الا قلیلا فان
 ما ترک من قرن و هو ثلثون سنة صوم تمام رجب و شعبان قاطبة في
 السفر و الحضر و القبول من معطي المتول ما مول بحرمه جاهد الرسول و آل المقبول
 و در جایگه صاحب اقبال نوشته که عمر شریف من سال رسید و بر حاشیه آن مقام نوشته
 که کان عمر السيد ستین سنة حين تالیف الكتاب و عمری ایضا حين
 اقبالی بهذا الكتاب عنی لا قبالی ایضا و بر کتاب قلنا لجان که از تصانیف بعض
 اکابر ائمت و جماعت است اکثر حواشی نوشته چنانچه صاحب کتاب قلاید جا
 ذکر محمد بن اسحاق مطهری نموده محمد سید بر حاشیه نوشته هو محمد بن اسحاق بن بشار المطهری صاحب
 کتاب سیرة النبی و هو عندی و وجوده بفضل و منه و هو منه منة علی العبد
 الضعیف اقل العبد محمد لمدت و بسعیه اسعد حاله و نور باله و دفع وبال و جعل
 شعیبه عمداً و آل سید و ایضا در کتاب مذکور جایگه صاحب کتاب و در ذکر همان
 ابن شعر خباب بر علیه السلام نقل کرده شعر

تولدت بوابك باب جنة لقلت لهمدان دخل بيلام

محمد سید مذکور بر حاشیه این دو بیت نوشته ما نسخی حين سماعی هذا البيت

سیرت کاتب سیرت ابو سعید بن ابی السلام و ان لم يدرك الظالع شأ و الضلوع هذا ان لبيتان

شرفی لمدان فیما قلت سیدنا و لیس غیرک بوابها و امامی

بنی بانی ابو بوابی لیس له بغیر افنک دخل بنزل مقام

چنین اکثر حواشی و افادات او که بر کتب فریقین نظر رسیده دلالت بر علوم مرتبت
 و از اصحاب فضل و کمال بودن او و درود الله اعلم المحقق المدقق الشیخ

مازنی سابق الذکر مدرس کتاب تهذیب الاحکام مشغول شد تا آنکه در بلده شیراز رسید و محکم
 آنجا با و با کرام زاعرا پیش آمد و مدتی در آنجا بنحوشحالی بسر برد و مشغول افتاد و تدریس و اقامت
 جمع و جماعت بود و در آنجا چند رسائل تصنیف فرمود تا آنکه در اهالی بلده مذکور تفرقه
 و خرابی افتاد و اموال ایشان از اغارت نمودند پس شیخ مذکور از آنجا بیرون رفته در قصبه فنا
 توطن اختیار نمود و مشغول مطالعه شد و همانجا کتاب حدائق الناظره را تا باب غسل تصنیف
 فرمود اتفاقاً در آن قصبه هم تفرقه پدید آمد و والی آن مقام کشته شد و اکثر کتب شیخ هم در آنجا اغارت
 رفت و مدتی بر زمینوالج و تا آنکه بفضل خداوند تعالی شانه بسوی عراق تشریف آورده و در
 کربلای معلی بزم مجاورت دائمی اقامت درزید و بطالجه تدریس و تصنیف اشتغال نمود
 و در آنجا شروع در اتمام کتاب حدائق فرمود و چندین مجلدات از آن بمعرض تصنیف
 رسید از آنجا کتاب الطهاره مشتمل بر دو مجلد است و کتاب الصلوة مشتمل بر دو مجلد و کتاب
 الزکوة و کتاب الصوم در یک مجلد و کتاب الحج در یک مجلد و در آنجا بعد ذکر این مجلدات
 شیخ یوسف مذکور میفرماید که این کتاب من یعنی حدائق که اشتمال بر جمیع نصوص و احادیث
 متعلقه بر مسئله و جمیع اقوال دارد کتابیست که مثل آن در کتب علمای ما تصنیف نشده است
 و هر قدر که از آن درین مقام اقدس یعنی کربلای معلی تصنیف کرده ام التزام مذکور
 در آن نموده ام لکن آنچه در عجم تصنیف کرده ام مثل بر تفصیل احادیث باین شایسته
 اگر چه اجمالاً متضمن تحقیق مسائل و ربط بدلائل است و خواستم که ناظران کتاب محتاج مطالعه
 دیگر کتب احادیث و استدلال نباشند لهذا آن کتابی مبسوط و واسع مثل بحر الخیر ملوک پور
 فخره شده است و نوبت تصنیف آن تا کتاب الحج رسیده است و اکنون یعنی وقت تسلیم
 اجازه مذکوره تصنیف کتاب التجارة آن کتاب اشتغال دارم و متوجه ذکر کتاب جهاد
 نشدم زیرا که درین زمان احتیاج بآن کتربست موقوف گوید که مجلدات دیگر از تجارت
 و نکاح در کتبخانه بعضی اعلام ابقاه السدالی بوم القیام موجود است ظاهراً بعد نام اجازه

موسومہ بلو لوة البحرین بقالب تصنیف در آمد و تاریخ اختتام کتاب لؤلؤہ علی ما وجد بجلد
 سال یکہزار و یکصد و ہشتاد و دو و پیری است و از تاریخ وفات او کہ مذکور خواهد شد ظاہر
 میشود کہ بعد اتمام نسخہ لؤلؤہ بدت چہار سال انتقال فرمودہ و ہم از کلام شیخ مزبور
 ظاہر و ثابت است کہ او در آن اوان مشغول بتصنیف کتاب حدائق بودہ و دست
 از اتمام آن برنداشتہ بلکہ بعض دیگر از تصانیف خود را بجهت اشتغال بآن ناتمام گذاشتہ
 و صاحب تذکرۃ العلیا آوردہ کہ مسموع شد کہ قدری از ابواب آخر آن کتاب باقیانند
 کہ او بر رحمت الہی پوست و بعد از بعضی از تلامذہ اش با تمام آن پرداختہ و العلم
 عند اللہ دیگر از تصانیف شیخ یوسف مذکور است کتاب سلاسل الحاید فی تفسیر ابن
 ابی الحدید در دو جلد و در آن کلام ابن ابی الحدید را کہ در شرح پنج البلاغہ بطریق مذہب
 معتزلہ مندرج ساختہ رد کردہ است و در اول کتاب سلاسل مقدمہ شافیہ در بحث
 امامت ذکر فرمودہ کہ لائق آنست کہ کتابی مستقل باشد دیگر کتاب شہاب ثاقب در بیان
 بیان معنی ناصب است و کتاب در النجفیہ عن الملتقطات الیوسفیہ کہ مثل بر تحقیقات رافقہ
 و ابجاث فائقہ است و کتاب عقد الجواہر النورانیہ فی اجوبۃ المسائل البحرانیہ و رسالہ
 الصلوۃ متنا و شرعا و رسالہ دیگر در صلوۃ بعبارت و ضمنہ و رسالہ محمدیہ در احکام میراث
 ابدیہ و کتاب حلیم الحاضر و انیس المسافر کہ بمنزلہ کشکول است و کتاب میران التزیج و در
 افضلیت تسبیح در رکعت سوم و چہارم و کتاب مناسک الحج و کتاب تحقیق معنی اسلام
 و ایمان و کتاب اللالی لزواہر فی تتمہ عقد الجواہر و کتاب النغمات المملکتیہ فی الرد علی الصوفیہ
 کتاب تدارک المدارک مشتمل بر بحث بکلام صاحب مدارک کہ یک جلد از ان مشتمل
 بر کتاب الطہارۃ و الصلوۃ بمعرض تالیف رسیدہ و باقی موقوف بر کتاب حدائق مانندہ
 کتاب مسائل الشیرازیہ و کتاب اعلام القاصدین فی اصول الدین کہ باب اول آن
 در توحید بتصنیف در آمد لکن بہرہ و کتاب مذکور در حوادث زمان بقضیہ فساد است

شیخ مذکور بشارت رفتند و رساله قاطعه القال و القلیل در بحث نجاست آب قلیل مشتمل بر دو کلام ملا
 محسن کاشانی و بعضی متأخرین از او که قائل بطهارت آن بودند و کتاب کشف القناع عن صریح الکلام
 فی الروایة من قال فی الرضاع بالتزلیل مشتمل بر بحث بکلام میرزا قزوینی و اما در مسائل رضاعت و کتاب
 المکتوبات المودعه در مسئله اتمام صلوة مسافر و حریم اربعه یعنی مکة و مدینه و کربلا و مسجد کوفه و کتاب الصوامم
 القاصمه مشتمل بر تحریر جمیع میان دوزن از اولاد فاطمه و کتاب حراج النبیه در شرح من لا یحضره الفقیه
 که تا تمام مانده و قلیل از اول آن تصنیف شده و کتاب المسائل البیهانیه در جواب مسائل سید
 عبدالعزیز بن سید علوی بحرانی از بهمان فرستاده بود و کتاب المسائل الکافرونیه در جواب
 شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالبنی بحرانی و کتاب المسائل الخشیه در جواب ملا ابراهیم خشتی و کتاب
 مسائل شیخ احمد بن یوسف بن علی بن مظفر پوری بحرانی و کتاب مسائل شیخ احمد بن شیخ حسن بحرانی
 و کتاب مسائل سید عبدالعزیز بن حسین الشاخوری کتاب المخطبات تلخیص خطبهای جمعه از اول سال
 تا آخر سال و خطبهای عیدین و کتاب الانوار البحریه و الافکار البدریه در جواب مسائل احمدیه که
 دو کربلای معلی واقع شده و قریب پنجاه و پنج مسئله از آن میاض رسیده و کتاب مسائل شیخ
 محمد بن علی بن حیدر نعیمی بحرانی و دیگر غیر اینها چندین حواشی و اجوبه مسائل است باید دانست
 که شیخ مذکور چندین مقدمات متعلق باختلاف مجتهدین و اخبارین را در این کتاب حدائق مشتمل
 ساخته و در ضمن آنها فرموده که من در اوایل از جمله نصرت کنندگان مذہب اخباریه بودم و بعد بحث
 بسیار با علمای مجتهدین معاصرین خود و میکردم و مقاله مبسوطه در کتاب خود سعی به بیان آن
 مشتمل بر ابحاث شافی و اخبار کافیه تجرید در آوردم لکن بعد تامل کما یغنی درین مقام و امعان
 نظر در کلام علمای اعلام بر من ظاهر شد که انماض نظر ازین باب باید کرد و سد این باب را
 استتیبه العلماء آقا سید حسین نصیر آبادی طاب مرقده در بعض مصنفات خود بتقریر و ذکر
 اعتقاد خود در باره اخبارین میفرماید که کسانی که خطی از انصاف دارند و متوسط اند مثل شیخ
 بحرانی و شیخ حسین عصفوری مخالفت ایشان در اکثر جاها مثل مخالفت علمای اصول فقه

سخن نیست با ایشان را از زمره علمای مقبولین میدانیم صاحب شتی المقال بعد ذکر مدح و القاب
 شیخ یوسف گفته که وی در اول حال اخباری صرف بود بعد آن بسوی طریقه متوسطه رجوع نمود
 میگفت که این طریقه مولانا مجلسی مصنف بحار الانوار است و فایده شیخ موصوف در ماورج الادب
 سنه یک هزار و یکصد و هشتاد و شش هجری واقعه ولیدش مقدس تقی شیخ محمد علی مشهور با بن
 سلطان ولید دیگر حاجی معصوم متولی غسل دادن او بودند و استاد من علامه یعنی آقا محمد باقر سبزواری
 بر جنازه اش نماز کرد و جمعی کثیر خلف جنازه اش مجتمع شدند با وجودیکه ساکنان کربلای معلی
 بسبب عادت که در آن سال با ایشان رسیده بود متفرق و مشتت بودند و انتهای محصله بنا بر
 آنچه ولادت و وفاتش که نقل نموده شد ظاهر میشود که مدت عمرش هفتاد و نه سال یا هشتاد سال
 تقریباً بوده است و گویند قبرش نزدیک پای شهید ای کربلای معلی همان است که در اقصی
 رحمه الله و حشره مع من دفن فی جوارحه صلوات الله علیه ملاحظه علی مجلسی در اجازه خود آورده
 که شیخ یوسف مذکور از شیخ حسین ماحوزی و ملا رفیع مشهدی و غیر ایشان روایت داشت و میر
 عبدالباقی ابن میر محمد صالح خاتون آبادی اصفهانی که از او اجازه روایت دارد در ابصار
 مصنفات و مرویات او اجازه داده است و الله اعلم الشیخ محمد علی بن ابوطالب
 ابن عبدالمدین علی بن عطا اللہ الزاهدی ابحیلانی تخلص حزین است از فضلا
 باوقار و نوادر روزگار بود میر غلام علی آزاد بلگرامی در مآثر الکرام گفته که حزین شیخ محمد علی سلسله
 نسب شیخ سیوه واسطه شیخ زاهد گیلانی مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی جد سلاطین صفویه می پیوندد
 و مولد و منشأ شیخ اصفهان است چون نادر شاه بر مالک ایران استیلا یافت و امنی که در عهد
 سلاطین صفویه بود بر هم خورد شیخ رخت سفر بپارهند کشید و در سنه سبع و اربعین هجری مائده و اربع
 از راه دریای بندر تهر رسید و از طریق سیستان و خداباد وارد بلده بکرگشت اتفاقاً در آن ایام
 عطف عنان فقیر از سنجانب هند واقع شد و در بلده بکر با شیخ ملاقات نمود دست داد جامع علوم
 عقل و نقل است و در نظم و نثر تبحر بلند دارد و آخر راه ملتان و لاهور متوجه دارالخلافه دلی شد

و قریب چهارده سال درین شهر بقنوان انزلی اقامت گزید و در سن احدی و سبعین و مائة و الف
 از شاه جهان آباد برآمده چندی در اکبر آباد وقفه کرد و از آنجا بشهر بنارس شتافت و صاحب
 نتایج الافکار بعد ذکر محمد و اوصاف شیخ موصوف گفته که وی در سنه ثلث و اربعین و مائة و الف
 کرمیت بعزم زیارت حرمین شریفین بر بست و عند المراجعت عبورش بر بلده لارا قنادوان
 دیار از حوادث روزگار که منشار آن وجود نامسعود ناد و شاه بود توقف مناسب نمیده
 خود را بسائل دریای شور کشیده از بتا در فارس و کرمان و بندر عباس گذشته خود را
 به بندر تته که از بتا در ملک سندست رسانید و از آنجا بر سیستان و ملتان و لاهور عبور کرده
 بمنزل مقصود که عبارت از دار الخلافت شاه جهان آباد است فایز گردید و مدتی در آن دیار
 غلام آثار برید و عمده الملک امیر خان تخلص با انجام سیوری عالی سیر حاصل بوی از سرکار
 محمد شاه بادشاه و مانیده بود در آن فارغ البیان بحبیت خاطر میگزرا نید قضا را احوال سید
 از زبانش سر زده و شعری شاه جهان آباد را بشورش و پر خاش آورده طاقت و اقامت
 دلی در خود نیانته متوجه اکبر آباد گشت و بعد توقف چند روزه از آنجا بساحت بنگال شتافت
 و از بنارس گذشته تا به عظیم آباد رسید و باز بحبیت فقری خود را به بنارس رسانید و در آنجا بنگ
 سکونت ریخته ما قبت خانه ترتیب داد و همانجا در سنه ثلث و ثمانین و مائة و الف و بمنزل آخرت
 نهاد و آقا احمد بهبانی در کتاب مرآة الاحوال جهان ناما بقریب ذکر و در خود در بلده بنارس
 نوشته که قریب پنج شهر واقع است بقبره شیخ علی حزمین محمد علی جیلانی تخلص بجزین که از احقاد
 عارف ربانی شیخ ابراهیم معروف بزاد جیلانی است مرشد و مطاع شاه صفی جدا علای سلاطین صفویه
 رضوان الله علیهم است و اوصاف آن از غایت اشتهار مستغنی از اظهار است و شیخ مذکور سلاله آن
 خاندان و مشایخ فرزندان دو دمان بود و ولادت با سعادتش در دو شنبه است و هفتم ماه ربیع الاول
 سنه کبیر و یکصد و سه هجری در اصفهان اتفاق افتاده و در خدمت جمعی از علمای عالی شان چون
 والد خود و شیخ خلیل المدطالقانی مولانا محمد صادق اردستانی و آقا هادی بن ملا محمد صالح مازندرانی

شارح اصول کافی که ذکرش گذشت و سید اکمال الدین محمد فسای و امام مولانا محمد تقی مجلسی
 سابق الذکر و فاضل محدث حاجی محمد طاهر اصفهانی و قدوة الحکما شیخ عنایت گیلانی و سید مجتهدین
 امیر سید حسن طالقانی و فاضل مدق میرزا محمد طاهر خلف میرزا ابوالحسن قاشی که در ریاضی نامور و در کمال
 بود و استاد العلماء مولانا شاه محمد شیرازی و جامع المعقول والمنقول اخوند مسیحائی فسوی تلمیذ
 استاد لکل آقا حسین خونساری و مولانا لطف الله شیرازی تلمیذ فاضل محدث مولانا حسن کاشانی
 و فضیلهای دیگر تحصیل مراتب فضل و کمال نموده و باندک زمانی مقتدای انام و مرجع خاص عام
 و در اغلب علوم امام گردید و مدتی بیاحت فارس و عراق و عجم و خراسان و طبرستان و حجاز زمین
 و بر عمان گذرانیده بلاقات جمعی از علماء و اعیان رسیده است چون فاضل ربانی میرزا علاء الدین
 گلستانه و فاضل متبحر مجتهد آقا جمال الدین محمد خلف اکبر علامه سمری استاد لکل آقا حسین خونساری
 و آقا رضی الدین محمد خلف دیگر آن مرحوم و اخوند مسیحائی کاشی تلمیذ و امام دآن مرحوم و فاضل
 متبحر شیخ جعفر قاضی اصفهان و فاضل محقق میرزا حسن خلف مولانا عبدالرزاق لاهیجی ساکن
 دارالمومنین قم مؤلف کتاب شمع الیقین در عقائد دینیہ و جمال الصالحین در اعمال و رساله
 در تقیہ و مولانا محمد گیلانی مشهور بصراب و مجتهد کامل مولانا باباوالدین محمد اصفهانی مشهور
 بفاضل ہندی و سید فاضل کامل سید ہاشم ہمدانی و فاضل متبحر کامل صدر الدین محمد فاضل
 اصفهانی دندرس مدرس ہمدان استاد جد این فقیہ و مولانا ابوالحسن اصفهانی ساکن نجف شریف
 و فاضل مقدس شیخ یونس بن نجف و عالم و زاہد شیخ احمد جزائری و شیخ مفید شیرازی و مولانا محمد
 فرہی و سید الاتقیاء رئیس العلماء و الصلحاء سید ہاشم نجفی و مولانا محمد علی شیرازی مشہور بسکا
 و فاضل ادیب سید علیخان بن سید نظام الدین احمد حسینی مشہور بحجازی شارح صحیفہ کاملہ کہ از
 احقاد امیر نعمیات الدین منصور شیرازی است و عالم عال مولانا عبدالکریم اردکانی و فاضل
 محقق میر عبدالغنی اصفهانی کہ در میراث رسالہ دارد و شیخ سلام الله شولستانی شیرازی کہ از خلق
 انز و اگر زہد و در کوی مقام داشته است و مجتهد کامل ملا محمد رفیع گیلانی مجاور مشہد مقدس رضوی سے

و سید نورالدین ابن سید نعمت الله جزائری ساکن شوشتر و امیر سید علی و برادرش امیر سید حسین
 ولدین سید الافاضل میر عزیز الله جزائری که در خرم آباد فیلی ساکن بوده اند و او آخر
 ایام فاضل محدث کامل استاد المجددین و رئیس المتأخرین اخوند ملا محمد باقر محلی علی علیه السلام
 نور من طفولیت دریافته است و از تذکره آن مرحوم که در مجلی از احوال خود نوشته است
 معلوم میشود که بمرتبه عالیه اجتهاد رسیده و بشرف اجازه جمع ما و اعلام مشرف نوره
 و مولفات و رسائل بسیار از کلام ... در روز پنجشنبه روزگار یادگاریست چون رساله و حواص
 شرح ربیعین و رساله قضا و قدر و رساله حدوث عالم و رساله توفیق که در توافقی حکمت و شرح
 نوشته است و حواشی شرح حکمت اشراق و رساله ابطال تنازع و حاشیه الهیات شفا و رساله
 در مدارج حروف و حاشیه بر شرح بیباک النور و شرح رساله کلمة التصوف شرح اشراق
 و قرس نامه و رساله مدت العمر که در اوقات تحصیل هر مسئله مشکله را که حل نموده در آن ضبط
 کرده است و غیر اینها از رسائل بسیار و چهار دیوان ریغ بیان متضمن سی هزار بیت شعر که
 هر یک بحریت لبالب از لالی نمین و گلزار است پر از گلهای رنگین مراتب فضیلت و علمش
 و غایت فصاحت و بلاغت و متانت و جلالت کلامش از مطالعه آنها بر مینماید ان علماء
 بی مرض و فضیله ای خالی از غرض ظاهر و هویدا میگردد و در دارالایمان اصفهان و در کاریر ابغرت و
 حرمت و احتشام گزرا نید و در خدمت سلطان حسین و شاه طهماسب بجلالت قدر ممتاز و چون
 تیره با صر و بانو از بود در ایام تسلط افغانه بان کشور و سلطنت نادر شاه افشار و ویران شدن خاندان
 مدولت شعار از فرط علوهت و پاس حقوق آن دولت و اطلاع بر حقوق صفویه بر سلاطین
 باریه و عدم اطلاع بر رسوم و عادات مردم هندوستان بقصد استمداد از محمد شاه و از این کشور
 گردید چون بنای جهان آباد رسید و از اوضاع و اطوار بادشاه و گرفتاری بدست امر مطلع شد
 نهایت پشیمان و نادم شد و لکن از سطوت نادر شاه قدرت بر معادرت نداشت شاه
 طهماسب قبل از گرفتاری خود بوی کتوبی در کمال آداب نوشت و تکلیف بر معادرت نمود

چون بر حقیقت عاقبت امرش مطلع بود قبول نکرد و معذرت خواست و درین کشور شهرنبار را
 مسکن خود نمود و از معاشرت خلق و امن افشاند و در آن بلده در سنه یک هزار و یکصد و هشتاد یک
 بر حمت ایزدی پیوست بارگاه او مطاف زمره انام و مزار خاص و عام است و در شب شنبه
 و پنجشنبه بر مقبره او عجب انبوهی و اثر و عامی میشود و در بعضی کتب تواریخ مسطور است شیخ محمد علی
 حزین از ابناهای شیخ تاج الدین ابراهیم معروف بشیخ زاهد گیلانی است نسب او به پانزده واسطه شیخ
 موصوف میرسد از غایت اشتها که صیت فضائل او اقطاع عالم را فرو گرفته مصنفات او در جمیع
 عالم عموماً و در هند هم خصوصاً دائر و سائوست و در هنگامه نادر شاه از ایران دیار وارد هندستان
 گردید و مدتی در شاهجهان آباد گزرا نید و از آنجا رخت بشهرنبارس کشید و هماغسار حل اقامت نمود
 و در آن بلده قبری برای خود ساخته انتظار اجل موعود میکشید و اکثر بزرگانش میکشید که تنقید
 و بر حیرت و برای قبر لوحی از سنگ تراشیده اینچند کلمه و بیت بر آن نقش کرد بر سر لوح
 اسم تبارک الله بعد از ان محسوق قد اشک المسی بعد از ان العبد الواجی دجته و به الغفور
 محمد امین عویض بن ابی طالب الجیلانی و در پائین لوح این مطلع خودش مرقوم ساخته
 روشن شد از وصال تو شبهای تار ما صبح قیامت ست چراغ مزار ما

در پهلوی مزار این بیت

زبان دان محبت بوده ام دیگر نمیدانم همیدانم که گوش از دوست پنیامی شنید اینجا
 حزین از پای ره پیا پی سر گشته دیدم سر شوریده بر بالین آسایش رسید اینجا
 و در همان قبر مدفون گشته شخصی این تاریخ بطریق تعریفه گفت

سه گشته سیهات روس زمین ز شیخ محمد علی حزین

بظاہر بعد از اخراج حرف زای بجمه که عدد هفت باشد تاریخ وفات شیخ مذکور خواهد بود مؤلف گوید
 شیخ مذکور تصانیف خود را در بعض رساکی خود بدین عنوان آورده و گفته و اما ما صنفه
 من الکتب و التعلیقات و الرسائل و طبعه و اقامتی فاكثر من ان اقدر على ذكره

وعدة فان حوادث الايام قد نبذتني من بلدة الى بلدة هادبا من فرط الاهوال و
 تشتت البال منياد الى ديار حتى طفت الاقاليم من غير ارادة ورغبة الى الاسفار
 عاريا عن الاحمال والا ثقال فلم يجتمع عندي ما كتبتة ونسيت كثيرا من الرسائل
 والفوائد فخرها كتاب دوايح الجنان وكتاب خلاصة المنطق وكتاب الرموز الكشفية
 وكتاب شرح عيون اخبار الرضا وكتاب جامع نفيس سميتة مدة العمر وكتاب كنه المور
 وكتاب دعائم الدين وكتاب لفصح وكتاب لتوجيه بقول قدماء الجوس في المبدأ
 وكتاب شرح الرسائل للشيخ شهاب الدين يحيى المقتول وكتاب نيس الفوائد في حقيقة
 الاجتهاد لم يعمل مثله وكتاب للباب في علم الحساب وكتاب جوامع الاداب وكتاب
 الوصية وكتاب كشف الغطاء في تحقيق الغناء وكتاب النصر وكتاب الانساب وكتاب
 التعليقات في الطبيعي والالهي وكتاب المرصد في الراج والكاسد وكتاب الروح
 المصقول في الطعن على اكثر قواعد اصول وكتاب لذخر والسعادة في العبادة و
 كتاب الفوائد العلية تم وكمال من عشرين فصلا واسأل الله التوفيق لا تمامه
 وكتاب كشف التلبيس في هدم اساس ابليس شيع في القول على مرد القياس وكتاب
 سيف الله المسلول على اعداء الارسول وكتاب جلاء الافهام في علم المساحة
 وكتاب لصرط السوي في غواية البغوى وكتاب نوح الطلب في استخراج ضلع المكعب
 واستكشاف معضلات الهندسة وكتاب كد القلم في حل شبهة جد الاصم
 وكتاب تعليقات على مبحث الفلكيات من الشفا وكتاب تعليقات على الامور
 العامة من شرح الجريد وكتاب تعليقات على كتاب المطارحات للشيخ المقتول
 وكتاب تعليقات على الفصوص للعلم الثاني ابي نصر الفارابي وكتاب تعليقات
 على كتاب النجاة للشيخ الرئيس بن سينا وكتاب تعليقات على مقامات العارفين من
 شرح الاشارات وكتاب تعليقات على غوامض المحسني وكتاب التعليقات على

التلوحيات، للشيخ المقتول وكتاب لتعليقات على التذكرة لابن رشيد وكتاب التعليق
 على شرح المقاصد وكتاب شرح رسال الحكيم عيسى بن زردع وكتاب الرد على التناسخ
 وكتاب الدعوات لصالحات واسماء الله المحسنى الفتهاني مشهدا مولاي امير المؤمنين
 عليه السلام وكتاب خواص بعض السور والآيات كتبه ايضا في النجف الاشرف
 وكتاب شجرة الطور في شرح آية النور كتبه في مشهد طوس على مشرفة السلام
 وكتاب لوازم المشرفة في تحقيق الواح والوحدة وكتاب جوامع الكلام وكتاب
 مدارج العلي وكتاب شرح قصيد في الممدودة الفاتحة من سورة عن حرمة الله
 مكة المباركة وشرحها في بلدة حسا واهدية في السيد الجليل السيد حسين المكي
 من آل محراب وكتاب له يباح في ابانة اذنه الزجاج وكتاب هداية الامم في الحديث
 والقدم وكتاب النية وكتاب اجابات عن مسائل سأل عنها الشيخ احمد بن محمد
 الصيمري العماني وكتاب الجواهر عز المسائل الطبرية وكتاب الجواب الى سيد نصر الله
 الحائري في مواضع من كرام الشيخ ابن العربي وكتاب خلق الاعمال وكتاب معنى العهد
 وتفسير سورة الريح وكتاب تفسير سورة هل اتى على الانسان وكتاب الناسخ والمنسوخ
 وكتاب تحقيق الازل والابد والسرمد وكتاب الطول والعرض وكتاب العين
 في شرح القصيدة العينية للسيد الحميري رحمه الله وكتاب الفصول البليغة
 وكتاب مختصر البدائع والشروط والقواني وكتاب تجويد القرآن وكتاب فتح الابواب
 وكتاب المشاهدة العلية وكتاب حبة الاخوان وكتاب بجة الاقران وكتاب
 مصراع النفس وكتاب راح الارواح وكتاب المغلة في بيان النقطة وكتاب الفضائل
 في احياء سامان الاوائل وكتاب اللمع في اذهاق البدع وكتاب سير عبد الله بن ابي
 ابن ورسالة الخزاعي الانزدي رضوان الله عنه واخباره وكتاب هشام بن الحكم و
 مناظراته وكتاب نوادر العرب واخبارهم وكتاب اخبار ابي الطيب لمبني الحسين

الحسين بن عبد الصمد الجعفي الكوفي وذكر بعض اشعاره الفايقة وكتاب اخبار صاحب
 الجليل كافي الكفاة اسمعيل بن عباد الطالقاني وذكر ما وصل الي من فصوله ونوادير
 اشعاره وكتاب نوادر ابي الحسين مهيار الكاتب الديلمي واخباره وذكر بعض غريب
 اشعاره وكتاب اخبار ابي تمام الطائي حبيب بن اوس وبعض اشعاره وكتاب اخبار
 الشيخ الصفي الدين الحلبي ونوادير اشعاره وكتاب اخبار المحقق الطوسي قدس الله روحه
 وكتاب اخبار جدى السعيد الشيخ ابراهيم المعروف بزاهد الجيلاني قدس الله
 سره وكتاب ماجرى به القلم واما ما كتبه بالفارسية فكتب منها كتاب معرفة
 النفس بجردها وكتاب ابطال التناسخ وكتاب بشارة النبوة ذكرت فيه من التوراة
 والانجيل وصحيفة يوشع وكتاب شعيا ما يدل على نبوة نبينا صل الله عليه واله وسلم
 وكتاب الاغاثة في الامامة كتبه في مكة المباركة زادها الله تعظيما وكتاب يبحث
 القدم والمحدث وكتاب فتح السبل وكتاب مقالات بعض المشايخ وكتاب
 بجردها النفس وكتاب المعيار في الاوزان الشرعية وكتاب النسب التاليفه
 وكتاب قواعد الطب وكتاب اداب دعوة الاسماء والاذكار وكتاب مختصر الدعوات
 والزيارات وكتاب الحليات وكتاب معرفة الباري وما يتعلق به وكتاب مصابيح
 الظلام في اداء الكلام وكتاب لصيدا والذبايح ونحوها من الحيوان وكتاب اصول
 المنطق على طرزي نيق وكتاب شرح بعض خطب امير المؤمنين عليه السلام وكتاب احكام
 الشك والسهو في الصلوة وكتاب دستور العقل في اداب الملوك والامراء
 وكتاب شرح دعاء عرفه لسيدنا شهيدنا عليه السلام وترجمته وكتاب المشلول
 وترجمته ودعاء الصباح وترجمته الجوشن الصغير وترجمته الدعاء المعروف
 بالعلوي المصطفى وتفسير سورة الحشر وشرح القصيدة الجيمية الفارضية وكتاب
 معرفة الاجسام وتناهيها وكتاب الموسوم بجم في بيان الموالي وكائنات النجوم

وكتاب بطل الجبر والتفويض كتاب جوب لنص على الامام وكتاب الخواص المجرب
 وكتاب لعلاجات الغريبه وكتاب معرفة اللالي وكتاب شرح مطلع الانوار الصيغ
 وكتاب شرح مصباح الشريعة وكتاب شرح بعض فصول فلاطين الاكبر وكتاب الموارد
 وكتاب الدلالة على الخير وكتاب سبب الاختلاف في الاخبار وبيان طريق جمعها
 وكتاب في تحقيق الرويا واصول علم التعبير وكتاب الرحمة على النصارى في القول
 بالاقانيم وكتاب الموايد السماوية وكتاب الجمع بين الحكمة والشريعة وودع شبهه
 التخالف كما وهما الغاغة وترجمه رساله الافيون للشيخ الرئيس وترجمه الرسالة
 الموسومة بالصفحة في علم الاضطراب لشيخنا البهائي طاب ثراه مع زيادة توضيح
 وتحقيق وترجمه منطق الجريد وترجمه كتاب اقليدس في الهندسة مع زيادة
 توضيح وترجمه نواتج محمد بن ابي عمير الازدى وذكر سيرة واحواله ورسالة
 الكرواحكام المياة ورساله سيرة المتعلمين ورساله تضعيف الشطرنج ورسالة
 حل بعض الاشعار من كلام اخاقاني ورسالة مناسك الحج كتبه في اثناء سفر الحجاز
 وكتاب المناظرات والمحاضرات كتاب اديب الغزلة الخلوقة وكتاب اديب المعاشرة
 وكتاب معرفة التوفيق واحكام النجوم وكتاب جبر الاثقال وما يناسب له وكتاب
 الاسنى في تحقير قول تعالى نورني فتداني فكان قاب قوسين او ادنى وكتاب
 التعريف في حصر انواع القسمة وكتاب الحيوة والمائة في الحث على العمل ودم العظلة
 وكتاب المعادن وكتاب فلة الاكباد حاصل رساله ابي عبد الله المعصومي في
 العشق وهو اعظم اصحاب الشيخ الرئيس مع زيادات وافادات شريفة وكتاب
 الخليل والمنتخب وكتاب الادعية والادوية وكتاب التاليف بين الناس وكتاب
 فضل العراق وكتاب تذكرة المعاصرين من الشعراء وكتاب مكيال العلوة
 وكتاب رياض الحكمة وكتاب مواظب الحكماء وكتاب فضائل القرآن

وكتاب تفسير الاسماء ومعانيها وكتاب شرح رسالة الوالد العلامة رضي الله
 عنه في تحقيق الحركة وكتاب شرح رسالة والدي ايضا قدس الله روحه
 في عمل السبع والمتسع في دائرة آب ج من التعاليم وكتاب شرح الرسالة ايضا
 لوالدي قدس سره في قول ارسطو لو صاد ماء المطر خفيفا وترجمه رسالة الوالد
 العلامة طاب ثراه في بيان قل الروح من امر ربي وايضا ترجمه رسالة الوالد
 اعلى الله مقامه في تحقيق ما هو الحق في مسألة العلم وايضا ترجمه رسالة الوالد
 نور الله مضجعه في تحقيق قوله عليه السلام عرفت الله بفسخ العزائم وحل العقود
 وكتاب المواهب في ليلة الوداع في بيان كلام فرغور يوس حيث قال لخيرات
 منها ماهي شريفة ومنها ماهي ممدحة ومنها ماهي بالقوة كذلك ومنها ماهي ناقصة الى آخر
 كلامه كتبه في ليلة واحدة وذلك من فضل الله سبحانه على وكتاب الفرق
 بين اللس والمس وما يتعلق به ويتفرع عليه وكتاب شرح رسالة ابني يوسف
 يعقوب بن اسحق الكندي في تحقيق النفس وكتاب المفصل في خبايا عقل وتوكل
 وكتاب الزكوة ورسالة معرفة القبلة ورسالة في دلالة الفعل المضارع المثبت وذكر
 الاقوال ونصرة قول ابني حيان في اشتراك بين الحال والاستقبال ورسالة في جواب
 السؤال عن الاربعة المتناسية ورسالة في جواب مسألة في الوجود ورسالة
 في تدوين بعض ما كتبه الى الاصحاب ورسالة في ذكر احوال الفاضل المعارف
 افضل الدين محمد القاسمي رحمه الله وذكر بعض سكايبه وفوائده المختصرة ورسالة
 في جواب المسائل التي وردت من خراسان ورسالة في جواب مسائل وردت
 من جيلان ورسالة في الجواب عن السؤال الذي ورد من قسطنطينية ورسالة
 في انواع الليلية ورسالة ما يعمل في ليلة الجمعة ورسالة حصر ضروريات الدين
 ورسالة المحسن والقيصر العقليين ورسالة تزكية النفس على القولين قوا ارسطو وقول

افلاطن الالهی ورسالہ فی بیان القوۃ القداسیة وامکان النفوس
 القداسیة فی النواع الانسانی علی قول المشائین و تجویز الکشف و
 الالهام علی رأی الاشرافین والصفیاء فیہ ورسالت الفرق بین
 العلم والمعرفة ورسالہ اصول الاخلاق ورسالہ تجدد
 الامثال ورسالہ البحث مع الشیخ السهروردی فی الرؤیة ورسالہ
 اقسام المصدقین بالسعادة الاخریة ورسالہ فی شرح
 قصید فی اللامیة ورسالہ الکسوف والخسوف ورسالہ
 فی تحقیق صلوة الجمعة ورسالہ فی الامامة والبیث عشر ابطالها
 ورسالہ فی تحقیق بعض المسائل التي اشتهد الخلفاء فیها بین
 الامتة المحمدیة صلی الله علیه وآله ورسالہ فی بیان خوارق
 العادات والمعجزات والكرامات شمس الدین فقیر تخلص و بود
 ورتذکرہ نتائج الافکار مسطور است گنجینه فنون و لیدیر شمس الدین فقیر کہ اس
 شاہجہان آباد است پیکر لطیفش در سنہ خمس عشر و آتہ والف ہما شاہجہان
 ہستی پوشیدہ و سلسلہ نسب آبائی او بعباس عم النبی صلی اللہ علیہ وآلہ واز
 طرف مادر بسادات متقی میشود و وے از اعیان آن یاز حسلد آثار است
 بخد مت علمائے وقت کسب کمالات گرائییدہ از دہن نقاد استعداد
 شایستہ و دستگاہ بایستہ بہرسانید و در فنون نظم و نثر و معانی و بیان و بدیع
 و عروض و قوافی از پنجسین روزگار گردید و در آغاز عشرہ خامسہ بعد مائتہ والف
 ترک عوائق دنیوی سے کردہ کسوت فقر اور برکشید و در بہان روز ہا متوجہ بہت
 و کن گشتہ در اورنگ آباد رنگ قیام بخت و پس از پنجسال بہ بیت فرزند شاہجہان
 شاہجہان آباد مراجعت کرد و امر او اکابر آن بلدہ فرخندہ تنظیم و کریم میسر و اعتقد

علی الخصوص فیما بین وی و علی قلیخان ظفر جنگ و اعنسانی سه رشته ارتباط و اتحاد بر تبه کمال
 استحکام یافته بود و بختی بر فاقه نواب عماد الملک وزیر ابن امیر الامرا فیروز جنگ بن آفتخا به پروا
 پیشتر قطع تعلق مراقت نموده در اکر آباد منزوی گشت از تصنیفات وی دیوان و مثنوی و اله
 سلطان و حدائق البلاغت مشهور است و آخر عمر بزم زیارات لکنه متبرکه باورنگ آباد
 بر خور و بوقف یک هفته سری به بندر سورت کشید و از آنجا بعد فوز بمنزل مقصود و حصول نقد
 مراد بصره رسید بغریمت هند بر کب دریای شود نشست قضا را کشتی شکست و سر راه جیانش
 در گرواب فنا افتاد و این ماجرا در رشته المثلث و نمازین بیخ و الف رد و او از تصانیف او است حدائق البلاغت
 و مثنوی شمس الضحی و مثنوی در مکنون اشج ابو صالح محمد مهدی بن محمد صالح
 الفتونی العالی منسوب است بسوی فتون بن قایل از تالی از تالی دو نقطه بالا مضمومین و دو
 ساکنه قبل از تون که شاید یکی از مواضع جبل عامل است وی از تلامذة ملا ابوالحسن شریف عالی
 بود و بحر العلوم آقا سید مهدی طباطبائی و میرزا مهدی شهید رابع از تلامذة آنجناب اند و از روایت
 داشتند از تصانیف شریفیه او است کتاب نتائج الاخبار و جمیع ابواب فقه عاوی اکثر مسائل
 و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام جناب آقا سید حسین مخاطب بسید العلماء طاب ثاب اه در بعضی اجازات
 خود نقل کرده که من از والد خود شنیدم که حکایت میفرمود که سید اجل بحر العلوم طباطبائی
 ذکر میفرمود که فقه مساوی و استنباط جمیع فتاوی مرتبه ایست جلیله که علمای زمان ما را از جمله
 کسانیکه بلافاصله ایشان سیده ام حاصل نشده مگرد و کس آنکه یکی از انها شیخ محمد فتونی است بعده
 جناب موصوف گفته که شاید درین کلام اشاره بآن باشد که شیخ مذکور جمیع ابواب فقه را بحث
 و استدلال در کتاب خود و نتائج الاخبار بمعرض تالیف در آورده است و آن کتاب جامع اکثر
 مسائل و آثار در سایر ابواب فقه است که مستند با حدیث منقول از جناب حضرات ائمه
 اطهار است آقا سید محمد مهدی بحر العلوم طاب ثراه در اجازه خود که برای سید عبدالکریم بن
 سید عماد الدین بن السید محمد بن السید حواد موسوی قمی در مقام ذکر سلسله و سند مشایخ خود فرموده

ومنها ما اخبرني به بالوجوه الثلاثة المذكورة شيخنا العالم المحدث الفقيه واستاذنا
 الكامل المنتجب النبويه نخبه الفقهاء والمحدثين وذية العلماء العاملين صاحب
 الاخلاق الكريمة الرضية والنخبال الحميدة المرضية واحده عصره في كل
 خلق رضى ونصف على شيخنا الامام البهائي السني بن صالح محمد المهدي الفتوي
 افاض الله على نفسه الشريفة القدسية مراحمه الفاضلة الانسية عن شيخه
 الاعظم رئيس المحدثين في عصره وقدوة الفقهاء في دهره المولى بي الحسن
 الشريف الفتوي قدس الله نفسه وطيب دمه عن شيخه خاتمة المحدثين
 المجلة وناشر علوم الشريعة والملة العالم الرباني والنور الشعشعي خادم نجبا
 الائمة الاطهار وغواص بحار الانوار خالنا العلامة المولى محمد باقر العلوم
 الدين دفع الله دجته في اعلى عليين الخ الشيخ محمد باقر بن محمد باقر الهزارجى
 موطن او هزارجرب است كه يكي از بلاد نقيسه از نذران است وى از اكابر مجتهدين اعيان
 مشايخ و شاگرد ميرزا ايراهيم قاضى اصفيهان و شيخ محمد قاسمى بود و قاسم مدى بحر العلوم
 از وى روايت دارد سيد عبد اللطيف خان شوشترى كه اخبره معا صرين جناب شيخ بود
 در كتاب تحفة العالم بقرب ذكر اعلام مجاديرين بخت اشرف آورده و غير فاضل شريفا محمد باقر
 هزارجربى طاب ثراه فيلسوف زمان و ناوړه جهان در فن معقولات و رياضى و طبيعى آيتى بود
 در سن كهولت بود كه بخدمت اور سيدم عاطفتى بي پايان و مجتبه افزون بهم رساند از كثرت
 امراض صعبه قادر بر مطالعه و اناوړه نبود است دعاى خوندين زبدة الاصول والبيات شفا
 از خديتش نمودم از فرط اشفاق قبول فرموده و ع كردم طولى نكشيد كه وفات نمود و طبيب الله
 ثراه استقى و بحر العلوم طاب ثراه در اجازه خود كه براى شيخ محمد حسن نجفى علمى فرموده در ذكر
 طرق و مشايخ خود ميفرمايد و منها ما اخبرنا بالوجوه الثلاثة المذكورة شيخنا العالم
 العامل لعادف الحائركل انواع العلوم و الحقائق و المعادف جامع المعقول و المنقول

ومقرر الفرع واکاصول الشیخ محمد باقر بن المولی الفقیه محمد باقر الهزار جریبی
 قدس الله روحه الشریف عن شیخیه العالمین الفاضلین المحققین المحدثین الشیخ
 الافضل الاوحد الحاج محمد تقی القاسمی الاصبهانى والشیخ الفاضل الجلیل الامیر ابراهیم
 القاضی بداد السلطنة اصیهان عن مشایخهما العلماء الفضلاء النبلاء السیّد
 العلامة وحید عصره و فرید دهره شیخ الاسلام ومفتی الانام الامیر محمد حسین
 ابن العالم العامل الصالح الامیر محمد صالح الخاتون آبادی والشیخ الفقیه العالم
 الربانی الحاج محمد طاهر بن الحاج مقصود علی الاصفهانی والشیخ الفقیه النبیه
 العالم الرضی والفاضل المرضی المولی محمد قاسم الهزار جریبی عن شیخیه الامام
 الهمام غواص بحار الانوار ومرجع اخبار الائمة الاطهار خالنا العلامة الفهامة
 المولی محمد باقر المجلسی رفع الله مقامه صالح محمد صالح بن عبد الباقی بن ملا محمد صالح
 المازندرانی از افاضل عصر خود بود مولانا حیدر علی مجلسی رحمه الله در اجازه خود آورده که ملا
 محمد صالح مذکور پیر ادرین است و از تصانیف اوست کتابی در تمذیب اخلاق است
 امیر عبد الباقی بن العلامة امیر محمد حسین بن امیر محمد صالح الخاتون آبادی
 الحسینی از افاضل تلامذة شیخ اجل اکمل شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق بود و از روایات
 دارد و هم از والد ماجد خود امیر محمد حسین مذکور اجازه روایت حدیث داشته و آقا سید مهدی
 طباطبائی لمقب سحر العلوم طالب مرقدہ از امیر عبد الباقی مذکور اجازه روایت دارد
 بالجمله امیر موصوف عالمی نحریر و مدقّق و محقق نزر البیظری بود و حضرت بحر العلوم مذکور در اجازه
 که برای شاگرد خود سید حیدر بن علی موسوی تحریر فرموده بتقریب ذکر مشایخ و بیان طرق
 خود آورده و ما خبر فی به اجازه جماعه من اصحابنا الاجلاء العظام منهم السیّد
 الجلیل الراقی فی التقوی والمجد العلی المراقی الامیر عبد الباقی عن ابیه السیّد
 السنن الاکبر الفقیه المعظم شیخ الاسلام ومرجع العلماء الاعلام الامیر محمد حسین